

شایعی است که در ممنوعی محقق موضوع است یعنی در معنی شخص را با رأی میکند یعنی شرط قابلیت است و یکی هم شرایط تکمیل است حال آتشایعی که ملاحظه فرموده اند در رایورت کمیسیون قیدشده است شرایعی است که باید دارا باشد برای رأی دادن که تبعیت ایران و پیوی شرایط نکمل است ملاحظه فرمودند و اما آنچه شرایط نکمل است خوبست بگذاریم برای منشعب بعد از اینکه معنو شد که متین شناس صالحی باشد رأی دهنده کان هر کسی میخواهد باشد بگذارید اینصورت باشد بجهة اینکه هر چه توسعه انتخاب پیش باشد اعمالی مملکت پیشتر علاقه پیدا خواهد کرد آن اساس حاضر بهمین جهت کمیسیون رای داد در المائی این شرط و آتشایعی که هست کافی است شرایط معمق و موضوع است و آتشایعی تکمیل است و این هم که این شرایط محقق و موضوع را ملاحظه کنند وظایعی هست ظاهر است که در موقع تعریف دادن اشخاصیکه لایق هستند و معایی در ایشان نمیکنند که محقق است بآنها تعریف بدهند و الا این شرایع تکمیل را باید فقط برای متینگیری قرار داد.

**نایب رئیس** - کمال میکنم مذاکره در این مواد خیلی شده است و مذاکره کافی شد و رجوع شد بکمیسیون و کمیسیون این رایورت را پیشنهاد کرده است حال رأی میکریم در رایورت کمیسیون آفایانیکه موافقند با رایورت کمیسیون یعنی موافقند با حذف آن مواد رأی بدهند و آفایانیکه موادر لازم میدانند رأی نمیهند حال آتشایعیکه موافقند با رایورت کمیسیون قیام نمایند (در این موضوع بعضی اظهار داشتند که مذاکرات بقدر کفا نشده).

**نایب رئیس** - پس رأی میکریم در کمایت عدم کفا نیت مذاکرات آفایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (لغلوب قیام نمودند).

**نایب رئیس** - معهوم شد که مذاکرات کافی است حال رأی میکریم در رایورت کمیسیون آفایانیکه موافقند با حذف آتشایط و رایورت کمیسیون را تصویب میکنند قیام نمایند (لغلوب قیام نمودند).

**نایب رئیس** - باکثریت رایورت کمیسیون تصویب شد فقره نایب رایورت خوانده شد (بمارت ذیل فرایت شد).

در ماده چهار از فقره هفتم چند فقره پیشنهاد شده بود راجح بحرومیت مر تکبین قتل و سرفت و غیرها و پیشرفت از طرف آفای ارباب گیوسرو راجح بعصرین سیاست پیشنهاد شده بود که الحال شود بالآخر کمیسیون ماده مزبوره را از فقره هشتم الى آخر بصورت ذیل تصویب نمود.

- سرتکبین قتل و سرفت و مقصیر بیکهه و وجہ حدود قانونی اسلامی شده اند.

۹ - مقصیرین سیاستی که برضد حکومت و استقلال مملکت اقدام کرده اند

۱۰ - اهل نظام بری و بری باستانی صاحب منصبان افخاری.

۱۱ - مستخدمین امنیه و نظمه در محل خدمت

نتیجه در ذیل باطلاع مجلس شورای ملی میرساند در ماده سوم از اطرف شاهزاده سليمان مجوز ایشان شده بود که شرط علاقه و عایدی از شرایط انتخاب کنندگان حذف شود کمیسیون با کثیر استدلال پیشنهاد را رده در ماده سوم فقط بهمان شرایط اول اکتفا میکنند.

ماده سوم - انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند - اول تبعیت ایران باشند -

۲- لااقل بیست سال داشته باشند ۳ در حوزه انتخابیه

متولن یا لااقل ۶ماه قل از موقع انتخاب در آنجا

ساکن باشند.

**نایب رئیس** - مخالفی هست؟

**حاج آقا** - در رایورت سابق چیزیکه بود

و لا الاعاء کردن از فقط شرط چهارم بود که دارای ۱۵ تقویت علاقه میکنند یعنی وشن توان عایدی سالانه راییگیری کومن مالیات بده باشد و تمام این شرایعی شهود بطوری ترتیب بود یعنی یکی از اینها را دارا باشند تا تمام را باینطور که اگر کسی دارای ۳۶ توما هایدی سالانه نبود حق انتخاب نداشت بموج رایورت سابق و هیچکس از کسانی که دارای کسب باشرف باشند در ایران خواه در شهر خواه در یک قصبه بادر یکدهی باشند یعنی که دارای ۳۶ تومان عایدی سالانه نباشد مگر کسیکه دارای کسب باشرف باشد یا موقوفه دیگری باشد و در این یک مصلحت فوق العاده بود و در آن جلسه هم گفتگو شد که اگر بنا شود ماقن بدهیم بکسانی که تابع معاش دیگران هستند و معاش آنها و امور زندگانی آنها دیگری متفکل است آنوقت بیهی است که این آدمی که نه دارای صدو پنجه تومن علاقه است نه دارا سی و شصت توان عایدی است بکار رایی تابع رأی آنکسی است که امر معاش او با او است و مالطیعه رایش هم تابع رأی معاش دهنده او است آنوقت ما جلو این مضرت را جھوڑ بگیریم با این ملاحظاتیکه آنروز هم عرض کردم و مغیر کم بیو نهم عقدی کمیسیون را گفتند و مذاکره کردن بنه نمیدانم که جه شد است که اینها قبول نکرده اند و هر ض کردم این سبب میشود که ما حق انتخاب بدhem بکسانیکه آنروز هم عرض بدهند و نهاده خصوصیرا داخل انتخاب کردار ایم

**نایب رئیس** - این بجهت - اصلاح میشود.

**لوائلر لد** - بنه در خصوص پیشنهاد ایل پیشکوه هر ض دن بود که باسم ایل پیشکوه نوشته شود یعنی پیشنهاده بایل پیشکوه داده شود والا میدانستم پشت کوه نمایندگه دارد مقصد عینه من بعنوان اهیت بود دیگر آنکه بنه از آفایان تند تویسها امتنان دارم ولی طوری نباشد که بهانه بدهست روزنامه مجلس بیفتند که نوشته است بنه گفته ام از جهار محال تاخوان اسار نیم فرسخ است بنه گفته از فریدن تاخوان اسار نیم فرسخ باشه دبع فرسخ است

**ملدرس** - پیشنهاد آفای میرزا یانس این بود که از امنه شر کت کنند در انتخابات با مسلمان و این طوری نوشته شده است که برخلاف فرموده میشود.

**نایب رئیس** - موافق پیشنهاد اصلاح

میشود مادی که از قانون انتخاب رجوع شده بود

بکمیسیون یعنی از آن ماده بر گفتگو است از کمیسیون

فرایت میشود (بمارت ذیل فرایت شد)

کمیسیون انتخابات در موادیکه بضمیمه پیشنهاد

های چند از اطراف آفایان نمایندگان ارجاع کمیسیون

شده بود دو چندین جلسه مذاکرات بعمل آورد

بندهها نمیشود رأی داد رفیق - اولا حق ندارید ذیل اختصار را

بررسید زیرا در هیچ جای نظامنامه نوشته نشده است

ثانیاً یک قراردادی که از آن روز رفاقت کمیسیون با کثیر است

برگردید و بازگشتن از آن روزه خودش موجب اختلال

مجلس میشد این آن اختصار کردم و حالا چون

اطاعت کردید آن اختصار را در حق شما ابقاء نمی کنم .

(مجلس یکساعت و نیم از شب ختم شد)

### جلسه ۱۳۰۹

#### صورت مشروح جلسه یوم پنجم شنبه

##### پیست و پنجم شهر شوال

نایب رئیس - (آفای میرزا مرتضی پیغمبران)

س ساعت و چهل و نیم دقیقه قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نمود پس از یک دفعه جلسه رسماً تشکیل یافت.

(آفای میرزا رضاخان نایبینی صورت جلسه یوم قبل را رفاقت کردن اسمی غائبین جلسه قبل در ضمن صورت مجلس ترتیب ذیل رفاقت شد)

غایبین بدون اجازه . دهدخدا . آفای محمد

باقر ادب - آفای بکاره که از وقت مقرر تخلف نمودند شاهزاد، سليمان میرزا . دکتر اسمبلی خان هریک

یکسان است و چهل و نیم دقیقه . ناصر الاسلام ۴۵ دقیقه . طباطبائی یک ساعت متن مسلطه ۳۵ دقیقه

**نایب رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟

**بجهت** - اصلاحی که بنه پیشنهاد کرده

بود راجح بود بکار بختیاری یعنی در واقع

راجح بدو فقره بود یعنی راجح بود بعد که دو نفر بود و یکی هم راجح بکار که انتخابات بود و دیگر آنکه مده مل متنوعه اصلاحی پیشنهاد کردم در

مرکز انتخابشان و قابل توجه نشد و اینجا قید شده است .

**نایب رئیس** - اصلاح میشود .

**لوائلر لد** - بنه در خصوص پیشنهاد ایل

پیشکوه هر ض دن بود که باسم ایل پیشکوه نوشته شود یعنی پیشنهاده بایل پیشکوه داده شود والا میدانستم پشت کوه نمایندگه دارد مقصد عینه من بعنوان اهیت بود دیگر آنکه بنه از آفایان

تند تویسها امتنان دارم ولی طوری نباشد که بهانه بدهست روزنامه مجلس بیفتند که نوشته است بنه گفته

ام از جهار محال تاخوان اسار نیم فرسخ است بنه گفته از فریدن تاخوان اسار نیم فرسخ باشه دبع فرسخ است

**ملدرس** - پیشنهاد آفای میرزا یانس این بود که از امنه شر کت کنند در انتخابات با مسلمان و این طوری نوشته شده است که برخلاف فرموده میشود.

**نایب رئیس** - موافق پیشنهاد اصلاح

میشود مادی که از قانون انتخاب رجوع شده بود

بکمیسیون یعنی از آن ماده بر گفتگو است از کمیسیون

فرایت میشود (بمارت ذیل فرایت شد)

کمیسیون انتخابات در موادیکه بضمیمه پیشنهاد

های چند از اطراف آفایان نمایندگان ارجاع کمیسیون

شده بود دو چندین جلسه مذاکرات بعمل آورد

در اینجا ذکر شد بهترین موادی هست که در این قانون کنگانیده میشود و خاطر نشان هم میکنم که فرضًا دولت بر حسب مصالح و منافعی که منظور نظر اولایی امور است عفو شخصی یا غایبی بدده ولکن آن عفو از عفو خداوند بزرگتر نیست که البت من الذنب کمن لاذب له والآن در آن ماده سابقه خواندم که معروفین بازنگاب سبق و فجور که مجازات شرعی هم شده اند البت عندالله مظہر است لکن آن نظر عمومی در او طوری است که او را از استحقاق وقابلیت انتخاب کردن و انتخاب شدن معروم میدارد در این حرفي نیست ولی فقط بنده این را میخواستم عرض کنم که نوشته است مقصوبین سیاسی و بعد تفسیر کرده است بایشکه بر ضد حکومت ملی و مشروطه اقدام کرده است بنده این را صحیح نمیدانم بجهت اینکه مقصوبین سیاسی اعم است باید اور امام ملاحظه کرد یکمرتبه این است که کسی است که ابدًا بر ضد اساس مشروطیت و آزادی اقدام نکرده است ابدًا اشکری نشکنیده است جنگی نکرده است اقدام دیگری هم نکرده است نه بنفور مسلمین داخل شده است و نه و خشارتی کرده است لکن یکی از اسرار دولت را فاش کرده است ملا در یک اداره مستخدم بوده است نفعه جنگی رابط خصم داده است اینها هم جزء مقصوبین سیاسی محسوب میشوند و باید در این خصوص هم خیلی دقت کرد پیرا اینگونه تصریفات در جاهای دیگر خیلی اهمیت اورد در قوانین مملکتی خودشان اینگونه تصریفات اطوطی بزرگ میدانند و طوری حکم اعدام چنین کسی را صادر میکنند که هیچ قابل اغماض و عفو مست بندۀ مخالفتم از این حیث بود والا مخالفت یگری نداشت.

1

**هزاراهمه‌ک** - فقط مخالفت پنده درمنظر  
دن یا بوندن این ماده است که بعضی میگویند که  
مکله و بتوت والاهه متهم خواهند شد اولاً هیچ  
جهت اینجا نوشته شده است فقط نوشته‌اند مقصیرین  
پس ای اساس حکومتی ملی رفاقت کرده‌اند  
تی که یا کسی را میگویند مقصیر سیاسی معلوم  
ست که یا کسی تغییری کرده که میگویند  
سر سیاسی این معلوم است اگر یا کسی عده با یا  
دیگری یا یا کسی بد باشند یا ضدیت داشته  
ند از این راه نمیشود باو بگویند فلانکس مقص  
رت اورا میتوان گفت متهم است و انعام غیر از  
سر بودن است و آن کسانی که عملای مخالفت کرده‌اند  
ساز مشروطیت بقدرتی واضح است که جای گفتگو  
ت این خیلی لازم و پیترین شرطی است که در این  
نه نوشته میشود زیرا چطور میشود که یا کسی  
مخالفت بالاساز مشروطه کرده است باز هر شراکت  
ند و حتی شرکت در آن اساس داشته باشد این  
ی غریب است از طرف دیگر هم اشتباه نباشد  
چ مشکل نیست اگرچه در مملکت ما مجازات کم  
بود وبا وجود اینکه غفو و اغماض دولت بدر جه  
د است که در نظر مخالفین حل بر رصفت میشود  
لک کسانی میکنم نمیشود گفت که ما اگر بخواهیم  
ت از آنها بکشیم و بخواهیم آنها را که برضد  
ت جدیده بوده اند بشناسیم و بشناسانیم میتوانیم  
میدانند که چه کسانی اقدام کرده اند بر ضد  
ت جدید وهم را بشناسید و هیچ شبهه در این

شخصی ممکن است نسبت بیک اقدامی بدهند مثلاً اس  
هست که بعضی اشخاص را بواسطه اختلاف نظر نسبت  
بسواعقدام بدهند در صورتیکه در هیچ محکمه اقدامی  
که او کرد هاست ثابت نشده باشد بنده مخالف نیستم  
در اینکه اشخاص که اقدام برخلاف اساس مشروطت  
کرده اند محروم باشند از حق انتخاب لذکن باید  
بیک حدی برای این فوار داد اینسته که ممکن است  
نسبت اقدام بیک نوع از مخالفت بیک کسی بدهند  
در حالیکه آن بیچاره در کمال خوبی هرگاهی باین  
اساس کرده و زحمتها هم در راه مشروطت کشیده  
باشد و زحمت او را بهدر بدهند و از برای اثبات  
غرض خودم لازم نیست که جای دوری برویم فقری  
داخل میشونم در وضع حالیه مان هر کس با کسی  
عرض دارد او را همچویم ~~کنند~~ بار تعابع اینکه دیگر  
خیلی دیده شده است پس باید معین باشد که اقدام  
او بجهه نحو باید معلوم و در نظر کر کی باید معقول و  
علوم باشد نه مجرد اینکه گفته شود این اقدام  
مخالف با اساس مشروطت کرده است مجرد اینکه  
مخالفت یا خیالات شخصی من بنده خود را عرض  
نمیکنم آنوقت بیرون ندارم که بگویم تمام و کلا بر  
خلاف اساس مشروطت رفتار کرده ام و این اسباب  
زحمتی برای وکالای آته خواهد شد می بینم بعضی  
را همچویم بار تعابع میکنند و میگویند برخلاف اساس  
مشروطت رفتار کرده و قوی که میگویند بجهه دلیل  
می بینی دلیل ندارد در محکمه هم معا که نشدمو  
ثابت نشده این است که عرض میکنم اگر میغواهید  
این قید را آنجا زیاد بگیرید باید اضافه بکنید که  
در بیک محکمه ثابت شده باشد که این اقدام را  
سکرده است و الا ممکن است وکالتی هم که در  
دوره آته می آیند البته در آن مجلس آته هم  
مسالمختلفه هست آنوقت هر کسی که برخلاف آن  
فرقه باشد شاید بگویند مراجعت است و یا اینکه  
هر کسی که برخلاف بیک مراجعت رفتار کرده پس باید  
بیک عبارتی نوشت که جلوگیری از این مقابله هم  
بکنند و نایاب عبارت باین اجمالی بماند.

**ناصر الاسلام** — بنده در میان این موادی  
که نوشته شده است هیچ ماده را بهتر از این نمی  
دانم و هر قدر این ماده بقول آقایان ~~کشش~~ داشته  
باشد بهتر است این که گفته میشود بواسطه اختلاف  
سلک و اختلاف حزبین ممکن است کسی را متمم  
بکنند اینطور نیست اختلاف خوبی و سیاست در تمام  
ململکت هست هیچوقت آنها یکدیگر را متمم نمیکنند  
بار تعابع و حرف اختلاف خوبی فقط تقدیم است نه  
اقمام و امراء ذه میتوانیم بگوییم که آن اشخاصی که  
برضد این اساس رفتار کرده اند اگر جلس محکمه  
ومجازات میشنند خیلی از اشخاص معین و باسم و  
رسم شناخته میشنند و اگر آن نوشتجاتیکه بست  
آمده است و امیدواریم که آن لایحه کیشنهادشده  
است از طرف نایابند آن که آن نوشتجات را به مجلس  
نفرستند فرستاده شود آنوقت خیلی از اشخاص معرفی  
از خودشان در آنجا کرد مدهمن و محتاج بزحمت نخواهد  
بود و امیدواریم دیگر در مجلس آته ما اسم ارجاعی  
نشویم و این اسم برد نشود.

**حاج شیخ ال رئیس** — بنده در این ماده ایندا  
مقابر ندارم و مخالفت نمیکنم بلکه بهمین طوریکه

لایدم یک قدری مطلب را واضح عرض کنم  
 ما نباید این عبارت هاییکه کشش دارد در قانون  
 بنویسیم حکم بهانه بدهست مفرضین داده شود  
 کاملاً غرض نگذست بلکه اصلاباید این عبارات را  
 بنویسیم والا بدهست معمول هم بدھیم هیچ منافعی  
 ندارد که ماقانون بدهست اشخاص پیغام بدھیم لکن  
 عباراتی هم بنویسیم کاسباب و سببی بعضی اقدامات  
 بشو نمده این عبارت را نمیبینیم که در این قانون اسباب  
 میشود برای معروف کردن جمعی کثیری را از انتخاب  
 باعماق یاره اعراض بجهت اینکه حال آتیه ما معلوم  
 نیست معلوم نیست که در دست احزاب باشد یا بدهست  
 عموم یا اینکه چه شکر باشد بهر حال صحیح نیست  
 در چیزی مملکتی عباراتیکه بهانه اعمال غرض میشود  
 در قانون بنویسیم بعلاوه این حدود و مجازاتیکه ما  
 میغواهیم درباره مقصوبین سیاسی مینموده و جاری  
 بکنیم نباید زیاده بر خلاف مجازاتی باشد که دولت  
 در حق آنها میخواهد جاری بکند دولت آنها رادر  
 تحت سیاست درمیآورد جس میکند اموالشان را شاید  
 در یک موقع توقیف میکند اما بعد از آنکه آن مجازات  
 وحدود در باره آنها جاری شدیا دولت عفو کرد  
 آنها از حقوق مدنی معروف نمیکوید شما  
 از افراد این آب و خاک نیستید و مانیاید که کاسته از  
 آش گرم تر بشویم واز آن دولتی که حافظ مملکت  
 ومشروطیت باشد نباید ماسترت و تندتر باشیم حالا  
 فرض کنیدیک <sup>حصه</sup> بزرگی که تقصیر کرده اند یا قصور  
 کرده اند و یک خلافی کرده اند حالا شما اکر  
 بخواهید اینجا یک چیزی را بگذرانید و بگویند  
 در مدت اتفاقات کسانیکه برخلاف مشروطه اقدامی  
 کرده اند از حق انتخاب معروف و مند بسیاری از اهل  
 مملکت معروف میشوند وعلاوه بسامیشود کاسباب و  
 بهانه اعمال غرضی میشود چنانچه دیده ایم شده است  
 و بایوسیله اشخاص راک مراو منزه هستند پنهان  
 افتراضی بشرط اعراض معروف میکنند دیگر این  
 که مقید بکنیم باشکنی ثابت شده باشد <sup>که</sup> بر ضد  
 حکومت ملی رفشار کرده است هادام که دولت اور ا  
 عفو کرده است و الا اگر اینظور بماند یک عبارت  
 خوش ظاهري است که بواسطة خوش ظاهري آن ما  
 قبول میکنیم و من بعد و سببی دست مفرضین خواهند  
 کاغذات خود را بیش ببرند .

**ذکاء الملک** - در خصوص اینکه من

فرمایید شاید چیزی باشد در قانون <sup>که</sup> بهانه

دست مردم باشد که تهمت بزنند کمال موافق

را دارم ولی این عبارت این عیب را ندارد بجهت

این <sup>که</sup> نه نوشته ایم چه اشخاص <sup>که</sup> بر ضد

حکومت ملی اقدام کرده باشند یعنی مستلا

جناک کرده باشند یا یک مخالفت واضحی بر ضد اساس

مشروطیت کرده باشند اما در یک قسمت دیگر ش

همانظور که عرض کردم اگر یک چنین تقصیر کرده

باشد و مجازات شده باشد دیگر تطهیر نمیشود

بهانه علیتی که در ماده سابق عرض کردم .

**حاج شیخ اسدالله** - بندهمین فرمایشی

که فرمودند دلیل برای مطلب است که کش خیلی

بر میاراد اقدام کرده باشند برخلاف اساس مشروطیت

و در نزد کمی ثابت شده باشد و اقدام چیست بجهت

اینکه بعضی از اشخاص را بجهت بعضی نقضت

خارج شده ابدالنهر از حق انتخاب معروف باشد اینرا  
بنده اشکال دارم و نمی توانم تصویب کنم و در  
ماده نهم همین اشکال را دارم و در موقعش عرض  
خواهم کرد .

**ذکاء الملک** — بنده از این فرمایش آقای حاج سید ابراهیم خیلی تعجب بگنم من فهم مطلب را  
کسیکه بیک علمی کرده یعنی یک تقصیری کرده و  
مستوجب مجازات شده و مالوارا معروم می کنیم از  
حق انتخاب یعنی معروم کردن از حق انتخاب را  
یا مجازات برای او قرار میدهیم یعنی اگر مجازات  
شد دیگر معروض نمیکند یعنی اگر مجازاتی که  
در مملکت است در حق اجرا شد و با شکل مجازات ...  
شد دیگر این مجازات نباید بشود بی معنی این حرف  
این است و حال آنکه اینطور نیست معروم کردن  
کسی از انتخاب نه برای مجازات و است که اورا باین نحو  
مجازات کرده باشیم این برای این نیست که بیک  
کسی عملی شرفانه نکند مثل قتل و سرفت و غیره  
که وقتی کسی مرتكب یکی از این اعمال شد از  
خودش سلب شرفی کرده است و حدیکه زده بشود  
در مقابل یکی از این اعمال از قبیل قتل و سرفت  
و غیره آن وقت این آدم یک حیثیتی از خودش  
ظاهر کرده است که تفاوت دارد با آنها که این  
اعمال از آنها صادر نشده است و این تفاوت در انتظار  
مردم بیدا میشود در شور سابق هم عرض کردم که  
وقتی کسی عملی شرفانه میکند هر فقره مجازات بشده نه  
توبه هم بکند دوباره مانتظر اولی یا نگاه نمیکنیم  
به معنی دلیل او را معروم میکنیم از انتخاب ...  
جهت اینکه این آدم خودش را بست کرده ولاحق  
نیست که مداخله بگند در یک امر بزرگی از  
امور عالمه .

**نایب رئیس** — مذاکرات کافیست ؟

**حاج آقا** — بنده یک شوالی هم دارم .

**نایب رئیس** — بفرمائید .

**حاج آقا** — در ماده هشت یعنی در شرط  
هشتم سابقانک جزو دیگری هم داشت که معروفون  
با رتکب قتل و سرفت و امثال آن شرعاً برایت خود  
را حاصل نکرده باشند این یک جمله بکلی حذف  
شده و مجازات هم تبدیل به جدود شده است و این  
خوب است لکن نظری که کمیسیون در حذف این  
جمله داشته اند چیست خوب است بفرمائید .

**ذکاء الملک** — این مرتكب قتل و  
سرفت را نوشتم که عمومیت داشته باشد و معنوم  
است که کسیکه معروف بقتل و سرفت است یا بصحت  
معروف است یا باطل در هر صورت چطور میشود که  
کسی معروف بشود بقتل و سرفت در یک مملکتی  
و در کوچه و بازار راه برود و کسی متعرض او  
نشود البته متعرض او میشوند و اورا جلب به محکمه  
خواهند کرد یا محکوم حدود که معلوم است معروف  
محکومیت و اجرای حدود که معلوم است معروف  
است از این حق و در صورت عدم ثبوت بجهه دلیل او  
را معروف میکنیم .

**نایب رئیس** — دیگر مخالفی نیست ؟ (اضطراری  
نشد) جزو نهم خوانده میشود :

نهم — مقصیدین سیاسی که بضرد اساس حکومت  
ملی و استقلال مملکت اقدام کرده اند .

**حاج سید ابراهیم** — بنده در اینباب

اجراء ۱۸ سالگی هم مبتواند متصرفی این امور باشد چرا در سن شانزده سالگی از این حق مشروع معروف باشند و اگر حکمی جواب پنده را میدهد مستدعی هست که جواب منطقی بدد و والا بنده باز همین سوال را خواهیم کرد.

**ذکاء الملک** — باعتقاد پنده در این مواد مذاکره مجاز نیست بهت اینکه در شور و دیون مذاکره شد و مذاکرات کافی شد و رجوع بسکمیسیون شد حالا در رایپورت کمیسیون و آژیزی که مذاکره نشده است خوب است مذاکره شود والا این شور ثابت محض خواهد شد واما جواب حاج و کیل الرعایا جواب هایی که بایشان داده شده است بنظر پنده منطقی بوده است بجهت اینکه رأی میدهد در انتخاب نمایندگان بپیشنهاد کار میکند مداخله میکند در امور واداره کردن یک مملکت حالا خداوند در یازده سالگی او را مکلف میکند با مرور خودش بطبی نداده که در اداره کردن امور دیگر مان هم با واداره کردن یک مملکت حالت

**نایاب رئیس** — در این خصوص مذاکرات کافی است جزو شم را بخوانید ( بیمارت ذیل خوانده شد )

۶ - ورشکستگان بتصیر .

**نایاب رفیقی** - مخالفی هست ( اظهاری نشد )

۷ - متدکران و اشخاصیکه بوسایل بی شرفانه تحقیق معاش فن نمایند .

**نایاب رئیس** - مخالفی هست ؟ ( اظهاری نشد )

۸ - مر تکبین قتل و سرت و سایر مقصريات که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده اند .

**حاج سید ابراهیم** - رایپورتی که اول داده شده بود یک فقره و یک قیدیکری بهم داشت ( عمر و فین بار تکاب قتل و سرت و امثال آن که کشر عبارات خود را حاصل نکرده باشند ) و این عبارت قیدهم لازم بود بجهت اینکه ممکن است کسی در مرض اتفاق آماده بی شرفانه برآمده باشد و پراثت ذمه خود را نکرده باشد و معروف شده باشد چنین شخصی تا اعاده شرف خود نکرده از حق مدنی معروف است حال آن ذکر نشده بند هم چندان مخالفتی و اشکالی ندارم لکن اشکالیکه دارم اینستکه مر تکبین بقتل و سرت که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده اند مطلق گفتن و از حق انتخاب ابدال‌العمر معروف کردن هیچ صحیح نیست بجهت اینکه احکام سیاسی ما هر قدر خوب باشد بیشتر از قانون یعنی بغير غونه بود و قانون بپیش ر ما محدود کرده است باینکه مادامیکه محدود بآن حدود نشده اند مثلا اگر هر کس شرب خمر کرد بعداز آنکه اورا حذیز یا توبه کرد دیگر ( حزادتی ) براو باقی نیست و همچنین کمیکه مر تکب سرت شد در دفعه اول و دیگر حدی برای اوقرار دادند بعداز آنکه آن حد براو جاری شدمیل حال قبل از سرتیش خواهد بود این اشخاص را می‌گوییم معروف هستند از انتخاب حقیقی از اجرای حد ویس از تویه ویس از رد مظلالم ناس ظالم است بنده صحیح نیدام بجهت اینکه اگر بیانیم همینطور بگوییم که مطلق ابدال‌العمر از این حقوق معروف است و اگر حد هم خورده باشد و لو توبه هم کرده باشد و از مظلالم

**نایاب رئیس** - ماده چهارم تا فقره هشت  
بجزء جزء آن رای گرفته شده است فقره هشتم  
رای نسکرفته ایم رجوع به کسبیون شد حا  
مدا کرمه میشود .

**مخبر کهیسیون ذکاءالملک** - تجزیه ای  
مواد تقاضا نشده بود و پاییر نظرات هم رای گرفته  
نشده است و بايد رای گرفته شود .

**معزز الملک** - اگر چه معنی چندان اهمیت  
ندارد اکن طرزی نوشته شده است فقره دهم را  
باهل نظام بری و بحری که قدری توی ذهن میزد  
یعنی موهم اینستکه از جمله اشخاصی که لایق انتخا  
کردن نیستند و معاوی در ایشان تصور میکنند اه  
نظام بری و بحری هستند بجهت اینستکه بددا  
مقصربن میاسی و غیره نوشته شده است خوب است نوش  
شود مشاغلی که منافق انتخابست شغل نظامی بری  
بعری است اینکه عطف بفقر مسابق نشود .

**نایاب رئیس** - بطوریکه فرمودید در اینجا به  
رای گرفته نشده است ( ذکاءالملک - خیر باید از فقر  
اول رای گرفته شود .)

**نایاب رئیس** - پس از اول خوانده میشو  
( بترتیب ذیل نظرات شد . )

**نایاب رئیس** - کسانیکه از حق انتخاب کردن معروف و من  
داده - نسوان .

**نایاب رئیس** - در جزو اول مخالفی نیست  
( اظهاری نشد ) - اشخاص خارج از ارشاد و آنها که د  
تحت قیومیت شرعی هستند .

**نایاب رئیس** - جزو دیگر مخالفی هست؟ ( اظهاری  
نشد ) - ۳- تبهه خارج .

**نایاب رئیس** - مخالفی هست؟ ( اظهاری نشد )  
۴- اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند .

**نایاب رئیس** - مخالفی هست ؟

**حاج عکیل الرعایا** - به بنده در شور او  
هم عقیده خودم را عرض کردم و جواییکه بعرض  
بنده می بینم که همین مجلس شورای ملی در قانون اساسی  
سلطنت مملکت را که ریاست اجراء باشد در س  
هیجده ساله میں کرده است و در مقابل این خوا  
مشروع بنده آنچه را نباید بگیرم گرفت و میگیرم  
این مخلوقات خدا که از سن یازده سالگی خداوندان  
آنها را مألف کرده است چرا تا بیست سالگی  
انتظار حق مشروع خودشان را بکشند اگر بگویی  
در این انتخاب کردن تا بیست سال ممکن است  
بخطا بروند عرض میکنم بنده می بینم امور مهم  
در این مملکت باشگاه ۱۷۶۱ و ۱۸۰۱ ساله سیر داده  
بلاؤه هر کس مخالف است باید تا بنده جوابش  
عرض بکنم هیچ نی شود تصور کرد که اطلاعیه  
از هفت سالگی در مدارس تحصیل کرده اند و  
آن قوه فکری که خداوندیا و عطا تحصیل است ممکن  
است در چهارده سالگی فارغ التحصیل باشد آنوقت  
از یازده سالگی تا هیجده سالگی هم می گویند  
برای تجربه لازم است هر ضمیمه کنم مدام که رئیس

حتماً عهده دارای اخلاق و صفات و مذکات پسندیده باشد اگر بنا باشد که اشخاص که معروف بارتكاب قتل و سرقت و سایر جنی های دیگر که امثال قتل و سرقت است هستند و آقایان هم میدانند که در لاله ایران هزارا از این نمره اشخاص هستند که معروفند بقتل و سرقت و سایر اخلاق رذیه این بیبل اشخاص را اگر قید نکنیم که از این حق حروم باشند بنده نمیدانم چه ملاحظه است و خلی جعب دارم بواسطه این که یک وقت میفرمایید که معروفین بقتل و سرقه اگر نکنیم از حقوق انتخاب حروم شوند از حقوق خوبی ها کاسته بشود مثل من که در منتخب بودن مبکتند و اینجا گذشت ن حرف اگرچه منطقی نبود ولی در منتخب شدن قدر ما تبیین کنیم که اشخاص خوبی صحیح راست منتخب شوند که در مجلس شورای ملی پوشیدند گفتگو کنند در امور مردم و رای بدمند بهتر واهد بود اگر میرفمایند در مملکت اگر کسی بروf بقتل و سرقه شده است باید ثابت بشود و گردد اند و ثابت شده است که قاتل یا سارق است و جدان آقایان را شاهد میطلبم که در ولايات اطراف و همچنین در خود پایانخت چقدر اشخاص مشخصاند که معروفند مبنی اند باین کشفشان اگر کوئه جرایع است و شاید این نسبت را هم با آنها همه و بین هم مبرهن است ولی یک مدعی المعموم است که در یک حکمه که ثابت کند قتل او را آن ترتیباتیکه برای ثبوت در یک محکمه شرعیه م است فراموش نبوده یا بواسطه تمکن طرف و یا سلطه این که طرفی نداشته علی ای حال این کوئه عاصی در مملکت داریم که معروف بقتل و سرفت اند و هم آن ها را یهیت صفت مشخصاند و این قید در رایورت اول کمیسیون بوده است و حالاً از رایورت شناسی برداشته شده است و بنده تقاضا کنم که این قید را دو مرتبه بر آن یغایراند و رویکه در رایورت اولیه کمیسیون بوده است و رویکه مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین بقتل و سرقه و امثال آن همان طور ای ند تا بدیک کما از این محظوظ هم تفضل جسته باشیم کل نداشته باشیم.

**لاییز رئیس** — این را پیشنهاد کنید.

**آقاسید حسین اردبیلی** — نمایمان اشخاصی که اهتمام اظهار مخالفت بکنندگان این قید مصودشان را یعنی کسیکه بیخواهد منتخب بشود باید قادر شرط باشد یعنی کسیکه مرتبک قتل و سرقه نمایند باشد، مشود انتخاب کرد این که قابل گره نیست که باید پیشنهاد شود و گمان میکنیم این قدر که مذاکره میکنیم این قدر قابل ازه نیست.

(قره هشتم مجدداً فراث شد)

**حاج آقا** — این ماده قبیله ارجاع به کمیسیون تعطیل از یکنفعه ظریز بود در این عبارتیکه نوشته است که اشخاصیکه خروجشان از دین اسلام در حضور یکیکی از حکام شرع جامع طبیعت رسانیده باشد چون دیدم این جمله مصداق بیان نمیکند و بنا بر این این عبارت

**نایاب رفیعیس** - هر یک از آقایان جزو ششم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) **نایاب رفیعیس** - تصویب شد جزو (۷) - جزو هفتم خوانده شد.

**نایاب رفیعیس** - هر یک از آقایان جزو هفتم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) **نایاب رفیعیس** - تصویب شد جزو هشتم (جزء هشتم خوانده شد)

**نایاب رفیعیس** - هر یک از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایاب رفیعیس** - تصویب شد حالت ای میگیریم ب تمام ماده چهارم آقایان یک که تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند)

**نایاب رفیعیس** - تصویب شد ماده (۹) **ذکاءاللهک** - ماده ۵ رأی گرفته شد

**نایاب رفیعیس** - ماده الحاقیه است بعد خودتان ماده پنده را معین کنید و با این خوانده میشود (خوانده شد).

ماده ۵ - کسانیکه بواسطه شغل و مقام خوداز انتخاب کردند معروف اند .

۱ - اهل نظام بری و بحری باستثنای صاحب منصبان اختیاری .

۲ - صاحب منصبان و افراد نظمه و امنیه در محل خدمت .

**نایاب رفیعیس** - هر یک از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) **نایاب رفیعیس** - تصویب شد (قرصمهی بمضمن ذیل خوانده شد)

۳ - در فراتر هفتمن و هشتمن از ماده ششم راجع بعدم انتخاب مقصرين و مردمان فاقد القيد به شهادت هائی شده بود که کمبیون تصویب نموده بصورت ذیل رایورت میدهد .

(ش فقره اول این ماده در مجلس رأی داده شده است )

۷ - مر تکبین قتل و سرقت و سایر مقصرياتي که مستوجب حدود قانوني اسلامي شده اند .

۸ - اشخاص متوجه بفق و فاسد القيد در دين اسلام .

۹ - مقصرين سياسي که بر ضد اساس حکومت ملي و استغلال مملكت قیام و اقدام کرده اند .

**نایاب رفیعیس** - در ماده ششم تقاضا شده بود که نجزیه شود شد تافق مشتم و رأی گرفته شد فقره هفتم و هشتمن مسانده یعنی دوففره رجوع شده بود بدیمکبیون یک فرجهم العلاق شد است که حالا سه فقره است در یکی کسی که مذاکره میشود حالا فقره هفتم خوانده بشود مذاکره میکنیم (مجددآخوانده شد)

**حاج آقا** - بنده در شرایط منتبین عرض گردم حالا در شرایط منتبین هم مسکر میکنم کرچه هوای داده بشد در بعضی اشکالات بنده که بیدارم انتخاب توسعه داد و منتخب هر چه توسعه اش یادتر باشد بهتر است بنده نهیم که بس سایر برایطا چرا اگرند خوب بود هیچ شرط برایش اراد نمدهند ولی حالا در منتبغ است و بالته لایق انت و مداخله در امور يك همیت اجتماعی آن کسی است که از هر حيث در مملکت و در نظر هیئت

پدر و سرت و پسران معمصیتی هسته جوب حدود فاده از نو  
اسلامی شده اند ۹۶ مفسرین سیاسی که بر ضد حکومت  
ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده اند .  
( پیشنهادی بمضمون ذیل از آقای حاج شیخ  
اسدالله فرات شد )

بنده تمامتاً میکنم که فرات ماده چهارم تجزیه  
شود و رای در تمام فرات سوا گرفته شود .  
**نایب رئیس** -- آقای لوعالدوله هم یك  
پیشنهادی کرده اند که جزء دهم و یازدهم تجزیه  
شود یك ماده العاقیه هم پیشنهاد کرده اند که فقره  
دهم است خوانده میشود .  
( ماده العاقیه بهارت ذیل فرات شد )

**جزء دهم** -- متاجهرين بفسق که معروف  
بفسق میباشد .  
**لواء الدوله** -- همچو عقیده بنده است و  
گویا کسی جلو عقیده کسی را تواند بگیرد بنده  
هرض میکنم که استجابة مملکت اسلامی است آن  
آقایانکه جواب خواهد داد که اینستله نمیشود عرض  
میکنم که در عصرها که عبور میکنید از خیابان لامزار  
تشریف ببرند آن حجراتی که بالای آنها نوشته اند  
میهمان خانه عمومی و در آنجا میرونند عذر س الاشداد  
شرب میکنند این شخص را که در آنجا اینکار را میکند  
او دیگر هیچ وقت بدرد ملت نمی خورد و بنده  
متاجهري بفسق را البدأ صلاح نمیدانم ) از طرف غال  
تکذیب شد )

**نایب رئیس** -- اینکه فرمودند تکذیب میکنم  
و چنین چیزی نیست .  
**ذکاء الملک** -- بنده هم تکذیب میکنم و قابل  
ما ذکر نمیدانم .  
**نایب رئیس** -- رأی میگیریم در این جزوی که  
آقای لوعالدوله پیشنهاد کرده اند آقایانکه قابل  
توجه میباشدند قیام نمایند ( محدود قلیلی قیام  
نمودند )

**نایب رئیس** -- حالا ماده چهارم خوانده میشود  
و با تجزیه رأی میگیریم  
( مجدداً جزء اول خوانده شد )

**نایب رئیس** -- هر یك از آقایان جزء دویم را  
تصویب میکنند قیام نمایند . ( اغلب قیام کردند )

**نایب رئیس** -- تصویب شد جزء سیم ( جزء سیم  
خوانده شد )

**نایب رئیس** -- هر یك از آقایان جزء سیم را  
تصویب میکنند قیام نمایند . ( اغلب قیام کردند )

**نایب رئیس** -- تصویب شد جزء چهارم ( جزو  
چهارم خواند شد )

**نایب رئیس** -- هر یك از آقایان جزو چهارم را  
تصویب میکنند قیام نمایند . ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** -- تصویب شد جزو پنجم ( جزو پنجم  
خوانده شد )

**نایب رئیس** -- هر یك از آقایان جزو پنجم را  
تصویب میکنند قیام نمایند . ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** -- تصویب شد جزو ۶ ( جزو ششم  
خوانده شد )

**لواز الدلول** — بنده در خصوص جزو دهن  
یازدهم مغالم و تفاهم کردهام که تعزیه شود  
بیشنهادی کردہ ام در باب جزو دهن بخوانند.

**ذکاء الملک** — اشکالیک بفرمایشند برای اینست  
و اقماً مستخدمین برقی و بحری اختلال ذهنی میرودا  
جز روزا مجری بفرمایشند و بتوسط اشخاصی که بواسطه  
شغل و مقام خود از انتخاب کردن محرومند.  
**نایب رئیس** — در این باب آنکه معزز الملک  
یک بیشنهادی کردہ اندخوانده مشود (بیشنهاد آقا)  
معزز الملک باین مضمون قرائت گردید.  
کسانیکه بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب  
کردن محرومند (۱) اهن نظام ابری و بحری باشند  
صاحب منصبان افتخاری.

**نایب رئیس** — این ماده علیحده نوشته  
خواهد شد.

**ذکاء الملک** — حالا این را که ماده علیحده  
میتوان کرد ولی این ترتیب گنوشه شد لازم نیست  
که ماده علیحده بشود جزو این باشد هیچ  
نیاردن.

**معزز الملک** اشخاصی که جزو نظام هستند  
یک ماده دیگر نوشته شود بهتر است (قره یازدهم  
باين عبارت قرائت شد)

(۱) مستخدمین امنیه و نظامیه در محل خدمه  
گفتهند این فقره جزء نظام و فقره دهم شش  
بهتر است بعد از اتفاقات دهم و یازدهم قرائت شد)  
**نایب رئیس** — حالا که بیشنهاد شده است  
که جزو شود.

**آقامیرزا الحمد** — درشور اول بنده سؤوا  
در فقره یازدهم کردم که مراد از مستخدمین نظامیه  
و امنیه کلیه مستخدمین هستند حتی بیان و وزبطا  
همان قسم مستخدمین نظامی هستند فرمودند من  
نظامیان هستند و این هیچ قیدی ندارد خوب است  
قدیمی اضافه شود که آنها از انتخاب مجر  
شووند.

**ذکاء الملک** — گمان نیکنم که این اغ  
مستخدمین نظامیه اشتباه بشود بدفتر دار و بابت  
منشی و غیره.

**معزز الملک** — بتوسط صاحب منصبان و افراد  
نظامی و امنیه بهتر است ( ايضاً فقره مزبور به مضمون  
ذیل قرائت شد)

کسانیکه بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب  
شنده محروم هستند (اول) اهل نظام برقی و بحری  
باشند از این صاحب منصبان افتخاری ۲- صاحب منصبان  
افراد نظامی و امنیه در محل خدمت.

**نایب رئیس** — قبول میرمائید. ( ذکاء الملک  
بله قبول میکنم)

**نایب رئیس** — ماده چهارم مشتعل به ۹۹ فقره  
حالا خوانده مشود ( به تفصیل ذیل خوانده شد )  
ماده چهارم کسانی که از حق انتخاب کردن  
محرومند ( اول ) — نسوان دوم — اشخاص خارج  
رشد و آنها کدر تحقیق قبومت شرعی هستند ۳- آنها  
خارج ۴- اشخاصی که خروجشان از دین حیف اساساً  
در حضور یکی از حکام شرع جامع الشرایط به نسب  
رسیده باشد ۵ اشخاصی که کمتر از بیست سال دار  
۶- و رو شکستگان به تقصیر ۷- تکدیان و اشخاصی  
بوسائل پیشرفانه تحصیل معاش میگایند ۸- مرتكبی

و همه ماها اطلاع داریم که بعضی مشروطه طلبان  
صحیح العمل را متمم بارتعاج کردند بعضی افراد  
فائدہ خود علاوه بر این مردم در اغلب شهرها دودسته  
هستند بعضی آزادی خواه در راه مشغله طبق زحمات  
حکشیده اند و بعضی دیگر حامیان ارجاع که  
برخلاف حکومت ملی قیام نموده و کارها کردند  
ولی ترتیبات قسمی بیش آورده اند که  
آن اشخاصی که بیشتر برضد حکومت ملی اقدام کرده  
بودند امروزه روی کار و مشیر و مشار هستند و  
آن اشخاص که بیشتر مشروطه طلب بوده اند خانه  
نشیت و منزلی هستند حالا اینها را که مشروطه  
طلب بوده اند اگر آنسته که روی کار هستند بخواهند  
منهم بگفته همه قسم بهانه و اسباب برایشان فراهم  
است اگر بگوییم اشخاصیکه حامیان ارجاع بوده اند  
انتخاب کنند مغالب این شرط خواهد بود و اگر  
بگوییم از آزادی خواهان انتخاب کنند که دست او اول  
آنها را راه نمیهند بلکه بواسطه تقریبی که حاصل  
کرده و مشیر و مشار و مصدر امور شده اند بین  
سائل آنها را متمم نموده حتی از انتخاب کردن  
منع میکنند لیس بحسب این شرط در چنین بلادی  
معناش اینست که بیک چنین جائی انتخاب شود بنده  
عقیده ام اینست که بتوسیم اشخاصی که علناً برخلاف  
سلطنت ملی اقدام کرده اند و بیشوت هم رسیده باشد  
بله صحیح است که بگویند قیام کردند و لیکن یک  
تحقیق و نتیجه هم لازم دارد نه آنکه مطلق باشد  
که بهانه بست مفرضین بیاید که هر طوریکه بخواهد  
اعمال افراد بگند و اشخاص صحیح وصالح و منزه  
را متمم بگفته جانچه دیده این خیلی اهمیت میدهیم  
که بهانه اعمال عرض بگست مفرضین ندهیم .

**ذکاء الملک** — بنده موافق هستم و لفظ  
اگر تابت شده باشد مین است کسانی که تابت شده  
باشد که برضد حکومت ملی اقدام کردند از این حق  
محروم خواهند بود ولی لفظ علناً یعنی چه یعنی اگر  
کسی معمراً هم بر ضد اساس مشروطیت اقدام کرده  
باشد معروف نیست ؟

**حاج سید ابراهیم** — علناً را بردارند  
( بیشنهاد آقا میرزا ابراهیم خان قرائت شد )  
بنده بیشنهاد میکنم قسم نهم از ماده چهارم  
اینطور نوشته شود مقصودین سیاسی که اقدام و قیام  
آنان بر ضد اساس حکومت ملی واستقلال مملکت  
تابت شده باشد .

**ذکاء الملک** — بنده از آقایان استدعا  
میکنم که بیشنهاد خود را مسترد بگفته زیرا همان  
قیامی که بنده عرض کردم خیلی بهتر است .

**آقا هیرزا ابراهیم** — بنده یعنی میکنم  
حاج سید ابراهیم اجاز بفرمایند آنایرورت  
( جزء نهم مجدد از این قرائت شد )  
حاج سید ابراهیم اگر دیدم کافیست یعنی میکنم  
کافی است اقدام لازم ندارد .

**محمد هاشم هیرزا** — اجازه بفرمایند  
عرض دارم .

**نایب رئیس** — مذاکرات کافی شد و بیشنهاد  
هم بیس کرته شد ر بیشنهاد یعنی گرفته میخواهد  
حرف از بین جزدهم خوانده مشود .

۱- اهل نظام برقی و بحری باشند ای اشخاص  
افتخاری .

میکند! شخاصی را انتخاب نکنند که معروف باشد  
عقیده عقیده باشند ولی این حسی است که باید تواند شود  
جیزی مثل سایر حسیات در خود ملت ایران از برای اینکه  
آقای آقای سوء تفاهمی نشود از این مصلب باز عرض میکنم که  
در داد و نهاده مجلس بیزاز است از آنکسی که فاسد بعقیده است  
باشد اینکه در مجلس نماینده پاشد و لی جیزی که  
میکند هست مقتن و قتنی قانون وضع میکند میخواهد کویک  
نتیجه خوب، بیرد پس باید قانون که وضع نمیشود  
طوری باشد که نتیجه خوب بدهد نه طوری که نتیجه  
وضع بدهد این گفته شد که معروفیت غیر از اهتمام است  
بنده عرض میکنم که نتیجه تمام است اگر قدری  
دقت شود که میدانند که معروفیت از کجا ناشی  
میشود اون از اهتمام است که بعد معروف میشود و  
عرض کردم وقتی که مقتن میخواهد قانون بگذارد  
باشد طوری باشد که فاسد نکند عقیده مردم را ولو  
اینکه آنقانون خودش خیلی در نظر صحیح شده باشد  
کلمه معروفیت بساد عقیده را بنده می برم از  
نظر ایمان که در تمام شهرهای ایران کسی که بخواهد  
یک کسی را متهمن بکند در چند روز میتواند او را  
متهم بکند و معروف بکند البتہ ممکن است در یک  
مدت خیلی قلیک کسی را معروف کرد ( آقای حاج-  
آقا عبارت آهسته افهار کردند ) استدعا می کنم  
ار آقای حاج آقامگاراند بمعاظهار مختلف خودشان  
را بفرمایند - پس در یک مدت قلیک میتواند معروف  
بکند زیرا در هر محلی از محلهای ایران اگر خیلی  
آدم خوبی میباشد وقتی که میبینند پیش مقامی میرسد  
و حقیقتاً مستحق آن مقام است در یک اندک زمانی  
ممکن است او را معروف بساد عقیده بکند و  
معروف بخیلی چیزها بکند که آن مقام نرسدی معروفیت  
تنها را هیچ نمیتوان دلیل آورد و مقتن نباید قانونی  
بگذارد که آنقانون انتخابات توشه شده است کسانی که خارج  
میشوند از حق انتخاب کسانی هستند که فاسد عقیده  
هستند پس اگر یک تقدیر نامل بفرمایند این مسئله که  
اینجا توشه شده است و آن جیزی که کمیسیون گفته  
است هردو تقریباً بهم نزدیک میشود و کسی مخالف  
این نیست که فاسد عقیده باشد آخر بجهه ترتیب معروف  
هستند ایمان نظری که آقای حاج آقا میرمایند نیتواند  
معروفیت حاصل بکند مگر اینکه عباره آخری  
معروفیت بدرجه باشد که به ثبوت برساند و این  
مقصود ایمان در ماده ۷ حاصل میشود و هیچ محتاج  
بگذاشتن این کلمه معروفیت نیست و کمان میکنم  
که این کلمه بعضی را تشجیع میکند که بعضی اقدامات  
بکنند بعد ممکن تغییر صحیح و تهمت ها برند و چیرها  
سبت بدھند .

نایب رئیس - کمیسیون چه میگوید .

مخبر - همان است که توشه شده است .

نایب رئیس - بیشنهادی بامضه پنج نفر  
شده است که باوره رأی گرفته شود مجددآ فرماست  
میشود و آقایانکه قابل توجه میدانند ورقه سقید  
خواهند داد .

محمد هاشم هیرزا - بنده تقاضا میکنم که  
تعزیزی شود چون اگر بنده رد کنم کمان نکند که  
میل داشتم متوجه برخی انتخاب شود باین معنی که  
اگر بنده معروفیت را هیچ دلیل برایش نمیدانم ورد

حجاج آقا — اول بنده تقاضا میکنند که عدم دیانت را تغیر ندهند و معروف بسادی پیوستند و بعد در مقام توضیع این بند نمیتوانم و نمیتوانم پیغامبر آن جزیزی است که خواهد نمود از عقیده گذشته احترام این مجلس را شما لازم میدانید یعنی رس کلام در راه این مسئله است و ما بجهه از افراد افسوس که این اتفاق بزرگ صریح کنیم اینجا در رایورت کمیسیون اول نوشته بود اشخاصیکه خروجشان از زمین خیف اسلام الى آخر این خوب میزانی بود میزانی است که خدا آن را قرار داده لکن افسوس که این میزان از جند سال باین طرف در این مملکت منقول شد هاست اگر این میزان در درست بود بهترین میزانی بود کاشخاص فاسد العقیده و غیر فاسد العقیده را باین میزان ترازو کنیم حالا اضطراری کمیسیون نوشته اند که اشخاص متباهر و فاسد العقیده که در دین اسلام این خوب است و تعجب میکنیم این را حالا کی باید فساد عقیده را فهمیده باشد و مین کند (که تند حکم شرع) تصور میکنیم که پیش حاکم شرع این هیزان از دست رفته است که امروز کی برود پیش حاکم شرع بگوید که قلان شخص فاسد العقیده است و تابت بکنند خودتان هم تصدیق میکنید که ممکن نیست بس اگر داستی میغواهید اشخاصیکه فاسد العقیده هستند در مجلس نباشند باید آن نیشنهادی که آرزو شد اورا قبول کنید اما اینکه فرمودند که معروف بودن یکچیزی است کش دارد استدعا میکنیم و آقایان توجه فرمایند خلی فرق است مابین اینکه معروف باشد یا متهم باشد معروف باشد یعنی اهل ولایت و اهل محلش هم میدانند فساد عقیده اورا ولی کسیکه من هم است اورا نباید اعتماد کرد و آنرا هم کی قید نمیکنند و اما اینکه معروف بودن را از اینجا خارج نکنند و هر کسی میغواهد خارج بکند بند میکویم آن مولکیتی که اورا انتخاب کرده در حق آنها خوب نمیشود **لایه رئیس** — در این باب گویا مذاکرات کافی است یکریبع تنسی داده میشود (مجددتاً بعداز نفس مجلس تشکیل شده)

دوفقره از ماده ۶۰ بعبارت ذیل قرائت شد.  
 ۱- مرتكبین قتل و سرقت و سایر مقصريين  
 که مستوجب حدود قانون اسلامي شده اند.  
 ۸- اشخاص متباهر بفسق و فاسد العقیده در دین اسلام.  
**لایه رئیس** — در این دوفقره نیشنهاد شده قرائت میشود.  
 ( نیشنهادی از طرف حاج آقا بعبارت ذیل  
 نراثات شد )

بنده نیشنهاد میکنم که این جمله بر آخر فقره تتم از ماده ۶ افزوده شود معروفین قتل و سرقت امثال آن که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده شنند.  
 ( ايضاً نیشنهادی از طرف حاج آقا بعبارت ذیل  
 نراثات شد ) بنده نیشنهاد میکنم که در فقره نیشنهاد شده نماینده عقیده تمام نمایند کان هستم در این عرضی که میکنم که این هیچ وقت راضی تغواهیم شد که یک مایندی هستم

باب يك اشتباه جزئی حاصل شده باشد فرمودند اما معروف بفساد عقیده باشند گمتر از ورشکستگان بتعصی و نکشیدی نیست بنده بهمین عقیده هستم هیچکس هم شاید که مخالفت نکند که این يك  
 جزئی است بدتر از همه آنها بلکه بند نماینده میتوانم بکویم  
 نماینده عقیده تمام نمایند کان هستم در این عرضی که میکنم که این هیچ وقت راضی تغواهیم شد که یک مایندی هستم در مجلس باشد که فاسد العقیده باشد ( اغلب تصدیق کردن ) والبته این حق را نمایند کان و ادب ایجاد نمایند در مردم توابد بکنند که هر کس انتخاب



**لایب رئیس** : امروز مطالبه شد و قرار شد که بعد از قانون انتخابات بجزء دستور شود آفی دمغوارانه توپیعی داشتند .

**ارباب کیخسرو** — عده کافی نبست که در دستور مذاکره بشد

**دھخوار قافی** — هر کس مبخواهد تشریف ببرد ببرد بندۀ عرايضم را يك نفر هم باشد میکند، جون در يك فقره از عرايضم بندۀ گمان میکنم باقی اسام جمعه يك سوء تفاهمی روی داده است لهذا مبخواهام آن سوء تفاهم و سوء ظنی را کشده وفع کشم بندۀ چون هر ضر کدران مملکت ملیتی فرق مختلفه و طوایف هستند والبّه مجلس هم نایانده اهل این مملکت است و در مجلس هم ممکن است موجود باشد و عرض کردم عقیده صحیحه که همه فرق جمع شوندو بگویند کفان غبده صحیح است در اسلام نمیتوانند ییدا بکنند امام جمعه در اینجا اظهار داشتند کما آن کسانی که همه عقاید را صحیح میدانند هر اه را بیستم البته هم عقاید صحیحه وهم فاسد بندۀ چنین چیزی عرض نکردم بندۀ خودم بتام آنچه که سبدالانیاء آورده است معتقد و مشترع ولی غرض این بود که جمیع اهل مملکت نمیتوانند يك عقیده صحیحلاً معین و مسلم کنند بگویند عقیده صحیحه این است در اسلام معتزله است اثنا عشری هست صوفیه است شیخیه است مشترعه است البته کدام از این طوایف عقیده دیگری را فاسد میدانند پس وقتی که گفته شد معروف بقداس عقیده بشادریکی از آنها بیش دیگری معروف بفساد عقیده است هیچ يك از آنها نایاب از دیگران و کل انتخاب کنند اگر در قوانین اینجور قیدو ذکر شود مسلماً اسباب تولید اختلافات خواهد شد و این خود يك درست برای فساد بزرگ در مملکت کیا باز میشود ) مجلس يك ساعت از شب گذشته تم شد .

### جلسه ۳۱۰

### صورت هشروح روز شنبه ۲۵ شهر

### حوال المکرم ۱۳۶۹

نایب رئیس آفای میرزا مرتضی قلیخان دو ساعت و سهربع قبیل از غروب به مقام ریاست جلسه کرده ویساز یکریم مجلس رسماً افتتاح شد .

صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۵ آفای آفای ز رضا خان فراثت نمود .

غایبین جلسه قبل : آفایان میرزا علی اکبر خان و آفای سید محمد باقر ادیب بدون اجازه و آفای مدل الدله ۳۵ دقیقه از وقت مقرر تأخیر در حضور نمودند .

**لایب رئیس** — در صورت مجلس ملاحظه ای نیست ؟

**آقامیرزا زاده دخان** — اینکه اینجا نوشته شده است ۶ تومان در حق مادر میرزا بیوار اینصورت نیست ۳ تومان در حق برادر میرزا جواد و ۳ تومان هم در حق مادر میرزا جواد است .

**لایب رئیس** — دیگر ملاحظه نیست ( گفته خیر ) — صورت مجلس تصویب شد جزو ۸ از ماده ( ۲ ) ( ساقی ) که بکمیسیون رجوع شده بود رایورش رسیده و اصلاحی کردند خوانده میشود ( بمضمن ذیل فراثت شد )

و ۶۰۰ تومان مخارج تفصیل و يك صد و بیست تومان خرج مسافرت مترجم نظامی + آمریک تصویب شد .

**لایب رئیس** — آفای ادیب التجار بیشنهادی کرده اند دارای دو ماده و ۴۱ نفر از آقایان اعضاء نموده اند آن طرح را + بمقام ریاست داده اند و از مقام ریاست هم راجح کرده اند بکمیسیون مبتکرات ولی همه روزه ایشان بادآوری میکنند و مخصوصاً امروز کتابی تقاضا کرده اند و جماعتی هم مساعدت کرده اند با ایشان که بدون رجوع کمیسیون مبتکرات مطرح شور شود حالا اکر مجلس تعویب میکند که بدون رجوع بکمیسیون مبتکرات در جلسه آنی مطرح شود اگرای نمیمهد باشاداز کمیسیون برگردد حالا رأی میگیریم بدون مذاکره ( گفته شد که آن رایی بجه جز است )

**لایب رئیس** — عرض کردم راجح بکمیسیون مبتکرات شده است دو ماده است که راجح بحقوق اشخاصی است که ضدیت با سلطنت مشروطه کرده اند هر یک از آفایان که موافق هستند که بماند تاریبورت از کمیسیون مبتکرات یاید و همیطور در مجلس مطرح شود قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**لایب رئیس** — با گفته تصویب شد .

دستور جلسه روز شنبه ۲۷ سه ساعت بغروب مانده بقیه شور قانون انتخابات رایورت کمیسیون فوائد عالم راجح بجزیره هرمز + طرح قانونی آفای ادیب التجار رایورت کمیسیون بودجه راجح بحقوق غلامی خان وفتح الشان مجاهد

**حاج سید ابراهیم** — یکبار دیگر عرض میکنم که دوره تقویتی و کلاه زردیک باختتم است و حالا هم یست و دو سو روزیورت نمانده و باید قانون انتخابات بیرون یاید و در این لیام اعلان انتخاب شود که مردمزد و تر بتوانند انتخابات بگذرانند و باشیم با یکیکه زودتر مجلس افتتاح خواهد شد و تا رایورت کمیسیون نظمامنامه تمام نشود تباید داخل درمنه کرات دیگر بشویم ولی باز میبینیم هر روز قدری از انتخابات خوانده میشود قدری هم از وقت مجلس صرف کار دیگری میشود از این جهه بندۀ معاذلمان یا یکیکه غیر از انتخابات چیز دیگر مطرح و چزه دستور شود .

**لایب رئیس** — همینطور است که میفرمائید ولی رایورت که از کمیسیون برگشته بود همین ۳ ماده بود که امروزه مذاکره شد معلوم است بعد از این که هر چه از کمیسیون بر سر مطرح شود میشود واژسایر مطالب مقدم داشته میشود .

**آقامیرزا احمد** . بندۀ این عرض را که

میکنم مکرر یادآوری شده است و تا حال از این که آن ظاهر نشده است قانون شرکتها است که بهترین مملکت خلبانی داشته و شور اول آن شده است و با یکیکه دوره ما نزدیک باختتم است رفته است بکمیسیون و هنوز برگشته است حالا اکر از کمیسیون برگشته است که در جلسه بعد از این جلسه فرار بدهند که باید مجلس و اگر بر نگشته است خوبست آفای مجرم کمیسیون بیان فرمایند که هر یک رایورش رسیده و در سیاهچال افتاده است .

**حاج شیخعلی خراسانی** — امورات مشروطت شخصیت بر نمیدارد آن روزیکه بندۀ تنها بود در مقابل استبداد مقاله کردم و داخل مشروطت شدم و دل اینکه یکنفر شارلاتانی باید بیشنها بکند آدم بودجه مخالفت نمودی و مخارج تفصیل و مسافرت مرا رد کردنی من از فلان فرقه هست ( گفته شد ایشور نیست ) و چنین و چنان میکنم این نور مشروطت بدرد ما نیغورد بندۀ مغالتم با تصویب این وجہ .

**دکتر علی خان** . کمان میکنم شبهه اند در اینکه این مملکت یک اندازه با شخصیت تفصیل بکرده محتاج است و سابق هم در مجلس رأی دادیم که سی نفر شاگرد برود در اروبا تفصیل بکند و بندۀ نمیدانم که اگر ۳۱ نفر بشود چه ضرری خواهد داشت و وجهه این هم ضدیت با ( ۲۱ ) نفر بودن چیست و در صورتیکه این شخص هم برود تکمیل تفصیلات خودش را بکند چه ضرر دارد که از مرف دولت یک مساعدتی بازو بشود گمان میکنم که این قدر ضدیت فایده نداشت باشد و ضرری بر آن مرتب نیست مخصوصاً کمان میکنم که این شخص هم متعهد میشود که بعد از ان تمام تفصیل مستخدم دولت بشود بندۀ گمان میکنم که این شخص خیلی لایق است و سزاوار است که این وجه تصویب بشود مسئله بکندرد .

**لایب رئیس** — کمان میکنم مذاکرات کافی است .

**ارباب کیخسرو** . آن لایحه وزارت معارف که خوانده شد و عنوان داشت هم عنوان آمریکا هم اروبا بندۀ مبخواهم بدانم که یکجا میبزد چون نمیشود در دوچار رفت خواستم بدانم .

**لایب رئیس** — لایحه وزارت معارف دو مرتبه خوانده میشود .

**ارباب کیخسرو** . آن عرض که بندۀ کردم در عنوان بود نه در ماده در صورتیکه در ماده اینطور نوشته شده است دیگر عرضی ندارم .

**لایب رئیس** . کمان میکنم مذاکرات باشد رأی میگیریم در رایورت کمیسیون بودجه که ششمده تومان سالیانه مخارج تفصیل مترجم نظام را در آمریک رکرده است هر یک از آفایان که باید رایورت موافق دارند ورقه سقید و هر یک که مخالفند و تصویب میکنند مخارج تفصیل و مسافرت مترجم نظام را در ورقه آبی خواهند داد ( اوراق رأی اخذ و آفای حاج میرزا رضا خان بعده ذیل شماره نمودند ورقه سفید ( ۹ ) ورقه آبی ( ۴۰ ) )

**لایب رئیس** . با گفته ۴۰ رأی از ۶۷ نفر نایاند گان خاص رایورت کمیسیون بودجه رد شد